

نقد و ارزیابی کتاب اقتصاد مقاومتی و بانکداری اسلامی در ایران

وهاب قلیچ*

چکیده

گرچه تمام فصول کتاب حاوی مطالب ارزشمند و مفیدی است اما در یک نگاه کلان و جامع، انسجام مطالب به معنای تبیین ارتباط فصول با یکدیگر و همچنین استفاده مشخص از نتایج هر فصل در فصل پایانی (فصل پنجم) نیاز به بازبینی و تقویت دارد. فصل اول کتاب، به مرور مفاهیم کاربردی اقتصاد خرد و کلان و توسعه اقتصادی می‌پردازد. فصل دوم قصد دارد به تبیین مفهوم و چیستی اقتصاد مقاومتی بپردازد. در فصل سوم کتاب به تبیین نقش اقتصاد مقاومتی در رونق و توسعه صنایع کشور پرداخته شده است. فصل چهارم به مروری بر مفهوم بانکداری اسلامی و روش‌های تامین مالی اسلامی و مدیریت ریسک در بانکداری اسلامی اشاره دارد. در فصل پنجم به نقش و جایگاه نظام بانکی در اقتصاد مقاومتی و نقش و جایگاه بانکداری مقاومتی پرداخته می‌شود. پیشنهاداتی جهت تقویت فصول کتاب در انتهای نقد ارائه خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: اقتصاد مقاومتی - بانکداری اسلامی - نظام بانکی - بانکداری مقاومتی

۱. معرفی و توصیف اثر و ارزیابی شکلی اثر

کتاب «اقتصاد مقاومتی و بانکداری اسلامی در ایران» نوشته بهاره دانشور است که در سال ۱۳۹۶ توسط انتشارات نوید شیراز در ۲۵۶ صفحه و با شمارگان ۵۰۰ نسخه در نوبت چاپ اول منتشر شده است.

۱.۱ معرفی ساختار کتاب

شماره صفحات	محتوا	عنوان فصل	شماره فصل
۱۳-۵۸	مروری بر مفاهیم کاربردی اقتصاد خرد و کلان و توسعه اقتصادی	اقتصاد و توسعه	اول
۵۹-۱۱۰	معرفی ارکان و مبانی اقتصاد مقاومتی	اقتصاد مقاومتی چیست؟	دوم
۱۱۱-۱۵۶	تبیین نقش اقتصاد مقاومتی در رونق و توسعه صنایع کشور	تأثیر اقتصاد مقاومتی بر صنعت و اشتغال	سوم
۱۵۷-۲۰۶	مروری بر مفهوم بانکداری اسلامی و روش‌های تامین مالی اسلامی و مدیریت ریسک در بانکداری اسلامی	بانکداری اسلامی و اقتصاد مقاومتی	چهارم
۲۰۷-۲۵۰	نقش و جایگاه نظام بانکی در اقتصاد مقاومتی و نقش و جایگاه بانکداری مقاومتی در اقتصاد	اقتصاد مقاومتی و بانکداری مقاومتی	پنجم

۲.۱ ویژگی‌های فنی اثر

طرح جلد کتاب نمایی از میدان نقش جهان اصفهان، نماد چرخ صنعت و پرچم جمهوری اسلامی ایران استفاده کرده که کمتر مفهوم و نشانه‌های اقتصاد مقاومتی و بانکداری اسلامی را به ذهن متبادر می‌سازد. در پشت جلد، توضیحی از اقتصاد مقاومتی و لزوم پیاده‌سازی آن در نظام بانکداری درج شده است. این اثر از لحاظ قطع، نوع و اندازه قلم، فاصله خطوط و صفحه‌آرایی در وضعیت مطلوبی قرار دارد و خوانش متن کتاب برای خوانندگان با سهولت و بدون تکلف می‌باشد.

کتاب از نمودارها و جداول به نحوی مطلوبی استفاده کرده است؛ گرچه تا حد اندکی امکان افزایش تعداد و کیفیت نمودارها و جداول با توجه به محتوای کتاب وجود داشت. در این میان، صرفاً نمودار ۲-۵ در صفحه ۲۳۲ و نمودار ۶-۵ در صفحه ۲۴۶ با کیفیت پایین و ناخوانا چاپ شده است که در چاپ‌های بعدی کتاب نیاز به اصلاح دارند. همچنین برخی از نمودارها همچون نمودارهای صفحه ۱۸ تا ۲۱ شماره‌گذاری نشده است.

۳.۱ ویرایش ادبی

کتاب به لحاظ نوشتاری یکدست بوده و از ویرایش ادبی متوسطی برخوردار است. در موارد زیادی (مانند صفحه ۱۳۰ و ۱۶۲) فاصله ویرگول و نقطه از کلمه بعدی رعایت نشده است و ویرگول‌ها و نقطه‌ها به کلمات بعدی خود متصل شده‌اند. همچنین در برخی موارد جزئی مانند صفحه ۲۹ (عملیات بازار باز) نحوه و مکان استفاده از کاما نیازمند اصلاح است.

۴.۱ ارجاع‌دهی و منابع

ارجاع‌دهی درون‌متنی کتاب در حد ضعیفی ارزیابی می‌شود؛ چراکه خواننده در عمده مطالب کتاب شاهد ارجاع‌دهی به منابع نیست و گویی عموم مطالب از قول نویسنده کتاب نقل شده است! همچنین در برخی موارد همانند صفحات ۱۶۲ تا ۱۶۴، سال منبع مورد اشاره (پژوهش بانک مهر اقتصاد) ذکر نشده است و در منابع انتهایی کتاب هم اثری از آن وجود ندارد.

۲. ارزیابی محتوایی اثر

فصل اول کتاب، به مرور مفاهیم کاربردی اقتصاد خرد و کلان و توسعه اقتصادی می‌پردازد. در این فصل مباحثی همچون نظریه تقاضا و عرضه، تعادل، چرخه تولید و درآمد، سرمایه‌گذاری، بحران‌های اقتصادی، چرخه‌های تجاری، درآمد ملی، تورم و ابرتورم و مفاهیمی همچون اقتصاد سیاسی، اقتصاد اسلامی، توسعه اقتصادی و وضعیت توسعه اقتصادی در ایران به نحو اجمالی تشریح شده است.

نقدی که به فصل اول می‌توان وارد کرد آنست که از آمارها و اطلاعات داده‌ای استفاده چندانی نشده است و مهمترین مفاهیم اقتصادی بدون بیان وضعیت آماری حال حاضر آنها برای خواننده بیان شده است. به عنوان مثال در بخش تولید ناخالص داخلی و یا چرخه‌های تجاری جا داشت وضعیت روز اقتصاد ایران به نحو کمی و آماری به خوانندگان معرفی می‌شد. موضوع دیگر عمق کم مباحث در این فصل است به عنوان نمونه در طرح مباحثی چون توسعه اقتصادی و یا اقتصاد اسلامی جا برای پرداخت دقیق‌تر و موشکافی نظریه‌های مهمتر وجود داشت که نویسنده سعی در ارائه حداقلی این مفاهیم بلند داشته است. البته با توجه به اینکه این فصل از کتاب، فصل مقدماتی بوده و بنا بر آن دارد که مفاهیم اقتصادی را به نحو اجمالی و خلاصه‌وار تبیین کند، عدم پرداخت عمیق و علمی‌تر به این مباحث تا حدی قابل توجیه و پذیرش است.

یکی دیگر از ضعف‌های مهم این فصل، عدم ارجاع‌دهی به منابع است. در صورتی که در تبیین مفاهیم اقتصاد خرد و کلان نیاز است که به منابع دست اول ارجاع داده شود. به عنوان نمونه در صفحات ۳۴ تا ۳۶ به سه نظریه در اقتصاد اسلامی اشاره شده است حال آنکه هیچگونه ارجاعی در این بخش از کتاب به چشم نمی‌آید.

مورد دیگر عدم استفاده لازم از مطالب این فصل در فصول دیگر کتاب است که برای خواننده مشخص نمی‌کند دلیل و فلسفه وجودی این حجم از مطالب در فصل مقدماتی کتاب چیست.

فصل دوم

این فصل قصد دارد به تبیین مفهوم و چیستی اقتصاد مقاومتی بپردازد. در ابتدا تعریف و تاریخچه‌ای از اقتصاد مقاومتی ذکر شده است؛ سپس با بیان آسیب‌پذیری (شکندگی) و تاب‌آوری اقتصادی به بررسی الگوهای اقتصاد مقاومتی ورود کرده و ویژگی‌ها و ارکان این

اقتصاد را بیان می‌کند. مروری بر سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و مزایای این اقتصاد همراه با طرح الگوی پیشنهادی، بخش‌های دیگر فصل دوم کتاب را شکل داده است. توجه به مبانی و خاستگاه اقتصاد مقاومتی در ابتدای فصل و راهکارهای ذکر شده برای تحقق اقتصاد مقاومتی در انتهای فصل از جمله نکات مثبت و ارزنده این فصل است. اما نقدهایی نیز به این فصل وارد می‌باشد؛ از مهمترین این نقدها آن است که نویسنده در معرفی اقتصاد مقاومتی از دیدگاه اقتصاددانان (صص ۷۷ تا ۷۹) به دیدگاه‌های جدید اشاره نکرده است و جدیدترین دیدگاه ذکر شده ۳ سال تا تاریخ چاپ کتاب فاصله زمانی دارد. ضعف دوم این فصل، عدم ارجاع‌دهی به منابع است. به عنوان مثال وقتی در صفحات ۷۹ و ۸۰ به چهار الگوی اقتصاد مقاومتی اشاره می‌شود، هیچگونه ارجاعی مشاهده نمی‌شود و گویی به نوعی نویسنده کشف و استخراج این الگوها را متناسب به خود کرده است. افزون بر این جدول ۱-۲ در صفحه ۷۵ که به رتبه ایران در تاب‌آوری اقتصادی و مولفه‌های تشکیل‌دهنده آن اشاره دارد، صرفاً آمار مرتبط تا سال ۲۰۱۲ را منعکس کرده است و به ارائه آمار به‌روز نسبت به تاریخ چاپ کتاب نپرداخته است.

در صفحه ۱۰۴ استفاده از واژه «اقتصاد تک‌محصولی ایران» چندان دقیق به نظر نمی‌رسد. چراکه اقتصاد ایران امروزه به غیر از فروش نفت و گاز از محصولات فراوانی اعم از پتروشیمی، معدنی، فلزی، کشاورزی و حتی ارائه خدماتی چون خدمات پزشکی در بازار صادراتی برخوردار است که هر یک سهمی قابل ذکر در تشکیل تولید ناخالص داخلی ایران برعهده دارند. از این رو نمی‌توان اقتصاد ایران را صرفاً یک اقتصاد تک‌محصولی نامید.

فصل سوم

در فصل سوم کتاب به تبیین نقش اقتصاد مقاومتی در رونق و توسعه صنایع کشور پرداخته شده است. بیان نقش اقتصاد مقاومتی در اشتغالزایی صنعت خودرو، صنعت گردشگری، صنعت نفت، صنعت برق و نیرو، صنعت کشاورزی، صنعت مسکن و شرکت‌های دانش‌بنیان از مهمترین بخش‌های فصل سوم کتاب می‌باشد.

از نقاط قابل نقد این فصل آنست که در پیشبرد مباحث استدلالی فصل، از آمارها و اطلاعات استفاده نشده است و عموم مباحث در بستر یک بحث نظری صرف پیش رفته است. در برخی از موارد معدود نیز آمارها قدیمی و کم‌کاربرد است. کلی‌گویی و عدم پرداخت به ریشه‌های اصلی مشکلات صنایع کشور در تحقق اقتصاد مقاومتی و عدم تبیین نظریات و الگوهای برجسته اقتصادی دنیا در رشد و رونق صنایع از دیگر نقاط قابل ترمیم این فصل به

حساب می‌آید. همچنین همانند فصول گذشته، ارجاع‌دهی به منابع استفاده شده در تدوین مطالب، در این فصل هم به چشم نمی‌آید که این مطلب از اعتبار و سندیت کتاب کاسته است. پیشنهاد می‌شود نتایج این فصل در قالب نمودارهایی برای مخاطب خلاصه‌سازی شود.

فصل چهارم

فصل چهارم به مروری بر مفهوم بانکداری اسلامی و روش‌های تامین مالی اسلامی و مدیریت ریسک در بانکداری اسلامی اشاره دارد. پرداخت به ارتباط بانکداری اسلامی با اقتصاد مقاومتی از جمله موضوعاتی است که جای خالی آن در ادبیات اقتصادی و آکادمیک ما به شدت احساس می‌شود. از این رو اقدام نویسنده کتاب به ارتباط‌دهی این دو مقوله، اقدامی ارزنده و مثبت ارزیابی می‌شود.

نقدی که به این فصل قابل ایراد است این می‌باشد که با توجه به عنوان کتاب که به موضوع بانکداری اسلامی اشاره دارد، سهم کمی و عمق کیفی این مباحث در کلیت کتاب اندک است. جا داشت این فصل با پرداخت عمیق‌تر و دقیق‌تر تدوین می‌شد. از جمله مباحثی که در این فصل به صورت کم‌عمق بدان پرداخته شده است می‌توان به عقود اسلامی و تامین مالی، مدیریت ریسک در بانکداری اسلامی و نهاد نظارت شرعی اشاره داشت. توضیح بیشتر آنکه یکی از مهمترین ریسک‌های مورد توجه در بانکداری اسلامی، ریسک شریعت است که به معنای عدم انطباق عملیات بانکی با موازین شریعت تعریف می‌شود. این ریسک همواره در بانک‌های اسلامی مورد توجه بوده و جزو اصلی‌ترین ریسک‌های قابل شناسایی در اجرای بانکداری اسلامی است. این در حالی است که فصل مزبور ورود مناسبی به این مبحث نداشته است.

همچنین برخی از اصطلاحات نیز به نادرستی استفاده شده است. به عنوان نمونه در صفحه ۱۹۸ گفته شده است که «بین عقود اسلامی، روش‌های فروش اقساطی (بیع موجل)، و اجاره به شرط تملیک به سبب آنکه بیان‌کننده استقراض بنگاه‌های دیگر از بانک است...»؛ این در حالی است که عقود اسلامی همچون فروش اقساطی و اجاره به شرط تملیک با عقد قرض تفاوت ماهوی و کاربردی دارند و نمی‌توان این دسته از عقود انتفاعی را ذیل عقد قرض

دسته‌بندی نمود. این اشتباه رایجی است که نشان از عدم درک کافی از مفهوم و کاربرد عقود شرعی در بانکداری اسلامی و تفاوت آن با استقراض بانکداری متعارف دارد. نقد دیگر به استفاده حداقلی و دست‌چندم از منابع در این فصل برمی‌گردد. عدم اشاره به منابع اصلی دانش بانکداری اسلامی برای فصلی که محور کتابی با عنوان «اقتصاد مقاومتی و بانکداری اسلامی در ایران» است زینده نمی‌باشد.

فصل پنجم

این فصل به نقش و جایگاه نظام بانکی در اقتصاد مقاومتی و نقش و جایگاه بانکداری مقاومتی در اقتصاد می‌پردازد. در ابتدای فصل عوامل موثر بر تحقق اقتصاد مقاومتی در نظام بانکی کشور بیان می‌شود. بانکداری مقاومتی و ثبات مالی، تاثیر افزایش مطالبات معوق بر بانکداری مقاومتی، بانکداری اخلاقی و بانکداری اجتماعی و در نهایت راهکارها و چالش‌های پیاده‌سازی بانکداری مقاومتی در ایران از مهمترین بخش‌های این فصل به حساب می‌آیند. توجه به نقش بانکداری مقاومتی در چابکی و نیز ارتباط بانکداری اخلاقی و اجتماعی با بانکداری مقاومتی بانکها از جمله مباحث جدیدی است که کمتر در متون سابق بر این مشاهده شده است.

اما از جمله نقدهای وارد بر این فصل استفاده از واژه «مطالبات معوق» است که بهتر بود با واژه «مطالبات غیر جاری» جایگزین می‌شد. یادآور می‌شود مطالبات جاری، مطالباتی است که پرداخت اصل و سود تسهیلات و یا بازپرداخت اقساط در سررسید صورت گرفته و یا حداکثر از سررسید آن دو ماه گذشته است؛ و مطالبات غیر جاری شامل مطالبات سررسید گذشته، معوق و مشکوک‌الوصول می‌شود:

مطالبات سررسید گذشته، مطالباتی تعریف می‌شود که از تاریخ سررسید اصل و سود تسهیلات و یا تاریخ قطع پرداخت اقساط بیش از دو ماه گذشته است، ولی تاخیر در بازپرداخت، هنوز از ۶ ماه تجاوز نکرده است. در این صورت فقط مبلغ سررسید شده تسهیلات به این طبقه منتقل می‌شود. در مطالبات معوق، به مطالباتی اشاره دارد که اصل و سود تسهیلات در آن بیش از ۶ ماه و کمتر از ۱۸ ماه از تاریخ سررسید و یا از تاریخ قطع پرداخت اقساط سپری شده و مشتری هنوز اقدامی برای بازپرداخت مطالبات موسسه اعتباری نکرده است. در این صورت مانده سررسید شده تسهیلات به این طبقه منتقل می‌شود. مطالبات مشکوک‌الوصول نیز به تمامی اصل و سود تسهیلاتی که بیش از ۱۸ ماه از سررسید و یا از

تاریخ قطع پرداخت اقساط آنها سپری شده و مشتری هنوز اقدام به بازپرداخت بدهی خود نکرده است، اطلاق می‌شود. از این جهت به نظر می‌رسد استفاده از عبارت «مطالبات غیرجاری» نزدیکتر به هدف و منظور نویسنده کتاب است.

نکته دیگر اینکه در بخش معرفی بانکداری اخلاقی و بانکداری اجتماعی به منابع اصلی این حوزه اشاره نشده و ارتباط این نوع بانکداری‌ها با اقتصاد مقاومتی به نحو کم‌عمقی بیان شده است. همچنین اشاره به بانک اتیکا، بانک تریودوس، طرح صندوق سبز هلند و موسسه مالی لاسر هلند همگی برگرفته از منابع دیگری است که ارجاع به آنها در کتاب مفقود می‌باشد.

گرچه تمام فصول کتاب حاوی مطالب ارزشمند و مفیدی است اما در یک نگاه کلان و جامع، انسجام مطالب به معنای تبیین ارتباط فصول با یکدیگر و همچنین استفاده مشخص از نتایج هر فصل در فصل پایانی (فصل پنجم) نیاز به بازبینی و تقویت دارد. یکی از مهمترین نکات در نقد و بررسی این اثر آنست که عنوان کتاب «اقتصاد مقاومتی و بانکداری اسلامی در ایران» انتخاب شده است، اما سهم و نقش مطالب مرتبط با بانکداری اسلامی (غیر از فصل چهارم)، چندان زیاد و محوری نمی‌باشد.

در این کتاب از معادل‌سازی برای واژه‌ها و اصطلاحات تخصصی و خارجی تا حد زیادی با دقت مناسبی استفاده شده است.

در انتهای کتاب به منابع متنوعی اشاره شده است که حاوی ۴۸ منبع فارسی، ۱۳ منبع انگلیسی و تعدادی منبع اینترنتی می‌باشد. در مباحث اقتصاد مقاومتی از منابع خوبی (البته عموماً بدون ارجاع‌دهی درون متنی) استفاده شده است اما در مباحث بانکداری اسلامی و بانکداری اخلاقی و اجتماعی، این فرصت وجود داشت که از منابع اصلی بیشتر استفاده شود.

۳. نتیجه گیری

توجه کتاب «اقتصاد مقاومتی و بانکداری اسلامی در ایران» به نظام بانکی به عنوان محوری مهم و تعیین‌کننده در تحقق اقتصاد مقاومتی در کشور، توجه به برخی از مبانی نظری اقتصاد اسلامی و بانکداری بدون ربا جهت الگوگیری در نظام اقتصادی ایران، پرداخت به برخی از ابعاد نظام مالی ایران و بیان راهکارهای تحقق اقتصاد مقاومتی در تناظر با بندهای ۲۴ گانه

سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی از جمله نکات قوت، باارزش و قابل تقدیر کتاب حاضر است.

در سوی مقابل، فقدان خلاقیت و نوآوری قابل ذکر در ارائه فصول، پراکندگی فصول و فقدان حلقه وصل آنان به یکدیگر (خصوصاً ارتباطیابی فصل ۳ با دو فصل انتهایی کتاب)، سهم پایین مطالب مرتبط با بانکداری اسلامی در کتاب در مقایسه با عنوان اثر، عدم اشاره کافی به بانکداری مرکزی و نقش آن در تحقق بانکداری مقاومتی و در نهایت عدم جمع‌بندی و نتیجه‌گیری جامع با بیان روش حل تعارض‌های احتمالی و اولویت‌بندی راهکارها از مهمترین نقاط ضعف این کتاب به حساب می‌آید که آن را تا حدودی از یک اثر مرجع در حوزه اقتصاد مقاومتی دور ساخته است. از این رو پیشنهادات ذیل برای تقویت اثر در چاپ‌های بعدی به شرح ذیل عرضه می‌شود:

- حذف مطالب کمتر مرتبط با مبحث اصلی کتاب خصوصاً در فصل اول کتاب؛
- توجه بهتر به مطالب مرتبط‌تر همچون نقش بانک مرکزی، خلق پول، اصلاح ترانزنامه بانکی، معرفی ابزارها و عوامل موفقیت سیاست پولی بانک مرکزی و راهبردهای دستیابی به استقلال بانک مرکزی از تسلط مالی دولت؛
- استخراج مفهوم و اصول اقتصاد مقاومتی از درون منابع معتبر اسلامی به جای پذیرش مفاهیم متداول و مصداقیابی برای آن از مستندات و پژوهش‌های اسلامی موجود؛
- توجه بیشتر به نقش بازدارنده تحریم‌های پولی و بانکی اقتصاد ایران و تبیین راهکارهای کاهش عوارض و موانع برخاسته از آن.
- پیوند فصل‌های کتاب با یکدیگر و ارائه یک جمع‌بندی بهتر در فصل پایانی؛
- ذکر تمام منابع استفاده شده در کتاب به صورت ارجاع‌های درون متنی؛
- تصحیح و تقویت منابع و مراجع کتاب از حیث استفاده بهتر از منابع دست اول و تکمیل مآخذ انتهایی کتاب خصوصاً در زمینه مباحث بانکداری اسلامی؛
- استفاده بیشتر از نتایج تحقیقات و مطالعات شخصی مولف کتاب به جای استفاده از نتایج سایر پژوهش‌ها، با هدف افزایش سهم ارزش افزوده کتاب به ادبیات حاصل از مطالعات پیشین؛

۶۸ نقدنامه اقتصادی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، دو فصلنامه، سال اول، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، ۷۴-۵۹

اصلاح نمودارها و جداول منطبق بر یک اندازه متن و شیوه‌نامه واحد.

کتاب‌نامه

عبدالملکی، حجت‌الله (۱۳۹۹). اقتصاد کرونا، اقتصاد مقاومتی در عصر ویروس کرونا، چاپ اول، تهران: آوان جنوب.





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی